



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دیروز از کتابهایی نام بردیم که باید در بحثمان مورد توجه و مطالعه قرار بگیرند، یکی از آن کتب "مستند الشیعة" تألیف مرحوم ملا احمد نراقی بود که دارای امتیازات بسیار بالائی در کتب فقهی است البته دوره کامل فقه نیست ولی کتاب بسیار مهم و خوبی در فقه می باشد، یکی دیگر از کتب ایشان "عوائد الأيام" می باشد که کتاب بسیار خوبی است و در آن مبسوط و کامل و جامع به بحث ولایت فقیه پرداخته شده و تا آن زمان هیچکس به این صورت به بحث ولایت فقیه نپرداخته بوده، ایشان بسیار اهل تحقیق و دقت نظر بوده و در آن زمان در ایران مرجعیت داشته و به همراه سید محمد مجاهد در جنگ علیه روسیه نیز شرکت داشته، یکی دیگر از ویژگیهای حاج ملا احمد نراقی این است که خیلی اهل شعر و هنر و ادب بوده، کمتر عالمی در آن زمان به اندازه ایشان از نظر شعر و ادب قدرت داشته، ایشان کتابی بنام "طاقدیس" در شعر دارد که یکی از اشعارش را حین جنگ با روسیه در روز عید قربان سروده و در آن اینطور گفته که؛ پروردگارا امروز روز عید قربان است و مردم در مکه به منا رفته اند و امسال منای ما اینجاست و من این قربانی ها را از ایران برای جنگیدن با کفار آورده ام تا جلوی تسلط کفر بر اسلام را بگیریم، خلاصه اشعار بسیار فصیح و بلیغی دارد، علی آئی حال شناخت علماء و فقهاء و خصوصیات و ویژگیهای آنها خودش یک مسئله بسیار مهمی می باشد.

خب و اما مقداری از کلام مرحوم نراقی در مستند الشیعة در مورد بحثمان را می خوانیم تا با کلام ایشان نیز آشنا بشویم، ملا احمد نراقی اینطور فرموده: «الفصل الثاني: في ميراث الإخوة والأجداد.

ويعبر عن الإخوة بالكالالة ، من الكلّ ، وهو الثقل ، لكونها ثقلاً على الرجل ، لقيامه بمصالحهم مع عدم التولد الموجب لمزيد الإقبال والنخفة على النفس، أو من الإكليل ، وهو ما يزين بالجوهر شبه العصابة ، لإحاطتهم بالرجل كإحاطته بالرأس.»^۱

مرحوم نراقی در ادامه مسائلی را ذکر می کند و اینطور می فرماید: «البحث الأول: في ميراث الإخوة إذا لم يكن معهم جدّ. وفيه مسائل:

المسألة الاولى : لا يحجب الإخوة ولا الأخوات عن الإرث أحد خلقه الله غير الأبوين والأولاد وأولاد الأولاد وإن نزلوا، بالإجماع؛ للأقربية، وخصوصيات الأخبار الواردة في الموارد الجزئية ، كما يأتي.

المسألة الثانية : إذا فقد الأبوان والأولاد وأولادهم فلا يرث مع الإخوة أو الأخوات أحد غير الجدود والزوجين إجماعاً ؛ لما مر. وفي ابن الأخب للأبوين مع الأخ لأم خلاف يأتي.

المسألة الثالثة : إذا انفرد الأخ للأب والأم كان له المال كله بالقرابة ؛ للإجماع ، ومنع الأقرب للأبعد ، وأحقية السابق ، وقول أبي جعفر عليه السلام في صحبة بكير الطويلة : "فإن الله قد سمى للأخ الكل"»^۲.

ملا احمد نراقی در ادامه کلامشان روایاتی را ذکر می کند که باید به آنها توجه داشته باشیم، اخبار مذکور در باب ۳ از ابواب موجبات الارث واقع شده اند.

خبر اول: ﴿محمد بن الحسن باسناده عن الفضل بن شاذان، عن ابن أبي عمير، عن جميل بن دراج، عن بكير،

^۱ مستند الشیعة، مرحوم نراقی، ج ۱۹، ص ۲۵۹.

^۲ مستند الشیعة، مرحوم نراقی، ج ۱۹، ص ۲۵۹.

من لا یحضر نیست، از اینجا معلوم می شود اینطور نبوده که همه کتب در اختیار آنها بوده باشد و اما جالب اینکه ابن ادریس بعد از اینها در مستدرک السرائر بعضی روایات را ذکر کرده که در هیچکدام از کتب اربعة نیستند.

در زمان امام صادق علیه السلام شاگردان ایشان کتابهایی بنام "اصول اربعة مئة" نوشته اند یعنی ۴۰۰ کتاب تالیف کرده اند و ۴۰۰۰ هزار نفر نامشان به عنوان شاگرد امام صادق علیه السلام ذکر شده، کتابی نوشته شده که در آن روایات احادیثی که ایرانی و از اصحاب پیغمبر و ائمه علیهم السلام بوده اند جمع آوری شده است.

در مورد خبری که خواندم بنده سوالی دارم که چطور شده که اینجا گاهی به دو خواهر نصف و گاهی ثلثان می دهیم؟ و معیار در اینجا برای نقص یا زیاده چیست؟ قبلاً گفتیم که اهل تسنن در اینجا قائل به عول شدند و نقص را بر همه وارد کردند ولی ما طبق روایاتی که داریم نقص را بر افراد خاصی وارد می کنیم و اما معیار ما در اینجا نقص را به افراد خاصی وارد می کنیم این است که در قران کریم سهم بعضی ها زیاد و کم شده لذا زیاد باشد به آنها می دهیم و کم بیاید هم نقص را به آنها وارد می کنیم اما بعضی ها اینطور نیستند مثل زوج و زوجه و کلاله امی که همیشه سهم خودشان را می برند و سهمشان هیچوقت زیاد و کم نمی شود برخلاف کلاله ابوینی که گاهی زیاد می آید و از آن مقدار اضافه به آنها نیز می دهیم ولی گاهی کم می آید و نقص به آنها وارد می شود.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

عن أبي جعفر عليه السلام قال: سأله رجل عن أختين وزوج فقال: النصف والنصف، فقال الرجل: قد سمى الله لهما أكثر من هذا لهما الثلثان فقال: ما تقول في أخ وزوج؟ فقال: النصف والنصف، فقال: أليس قد سمى الله له المال، فقال: وهو يرثها إن لم يكن لها ولد" .^۳

شیخ طوسی طبقه ۱۲ و فضل بن شاذان ثقه و از طبقه ۶ می باشد و شیخ ابن خبر را از کتاب فضل گرفته است، ابن ابی عمیر از طبقه ۶ و مقامش بسیار بالاست، جمیل بن دراج از طبقه ۵ و بسیار خوب است، بکیر بن أعین برادر زراره و از بیت رفیع زراره و مقام بسیار بالائی دارد، خبر سنداً صحیح می باشد.

یکی از مسائل مهمی که باید به آن توجه داشته باشید مسئله بیوت است، بعضی از بیوت بیت علم و فقهاست بوده لذا در اعیان الشیعة و همچنین در الفوائد الرضویه بیوت ذکر شده اند که یکی از آنها بیت زراره می باشد که شش برادر هستند و همگی آنها از روایات خوب هستند.

رسم و مشی مشایخ ثلاثه در نقل خبر با هم فرق دارد، شیخ کلینی از خودش تا امام علیه السلام تمام رجال سند را ذکر می کند، شیخ صدوق اخبار را از کتب گرفته ولی واسطه بین خودش تا آن کتاب را ذکر نکرده منتهی در آخر کتاب وسائط بین خودش و صاحب کتب را ذکر کرده، شیخ طوسی نیز اخبار را از کتب گرفته، در آخر کتاب جامع الرواة وسائط بین شیخ صدوق و شیخ طوسی با کتبی که از آنها اخبار را نقل کرده اند ذکر شده است.

مطلبی که باید به آن توجه داشته باشیم این است که ما روایاتی در کافی می بینیم که در من لا یحضر نیست و یا روایاتی در تهذیب و استبصار می بینیم که در کافی و

^۳ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۴۸۱، ابواب موجبات الارث، باب ۳، حدیث ۱، ط الإسلامیة.